

## کاربست ملاحظات فرهنگی به منظور احیای نقش مراکز مذهبی در طرح‌های مرمت بافت‌های تاریخی شهری؛ مورد مطالعه: بافت تاریخی محله پشت گنبد اصفهان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۲۸

کد مقاله:

محمد مهدی رئوف<sup>۱</sup>

### چکیده

ابنیه مذهبی به ویژه مساجد به عنوان عنصر هویت‌بخش و قلب تپنده شهر همواره نقش محوری در شهرهای اسلامی داشته است. هویت شهرهای ایران با ورود مظاهر شهرسازی مدرن در قرن حاضر دچار تغییرات بیرونی و درونی بسیاری شده است. بدیهی است که با چنین تحولاتی در شهرها، بافت تاریخی شهر و ساختارهای ارزشمند آن که زمانی به عنوان یک کلیت شهری، حیاتی کارآمد داشت در وجوه کالبدی و کاربردی دچار دگرگونی شد. به دنبال این تحولات در فضاهای شهری بافت تاریخی، شکاف بین این بافت و شهر معاصر بیش از پیش افزایش یافته و منجر به بروز مشکلاتی در ابعاد کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در شهرهای تاریخی شده است که نمی‌توان براحتی از کنار آن عبور کرد. هدف این مقاله شناسایی عوامل بروز این گسست به ویژه در ابعاد اجتماعی و فرهنگی در بافت‌های تاریخی شهرهای ایران و ارائه راهکارهایی جهت تقویت نقش مراکز مذهبی به منظور رجوع به مفاهیم عمیق شهرسازی اسلامی ایران است. بر این اساس محله پشت گنبد به عنوان یکی از محلات تاریخی در شهر اصفهان به عنوان مطالعه موردی انتخاب شده است. روش مورد استفاده در این مطالعه توصیفی-تحلیلی بوده و گردآوری داده‌ها به صورت اسنادی و میدانی صورت پذیرفته است.

واژگان کلیدی: بافت تاریخی، مراکز مذهبی، هویت فرهنگی، محله پشت گنبد اصفهان

۱- کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات زنجان، زنجان، ایران

در سنت شرقی، شهرنشینی و شهرهای اسلامی در طول چهارده قرن پیش تاکنون بر پهنه بسیار وسیعی گسترده شده و در نواحی مختلف جهان بسط یافته است و در اجزای بسیاری از تمدن‌ها و ایدئولوژی‌ها نقش چشمگیری داشته است. در تمام این دوران، شهرهای اسلامی به حیات، خلاقیت، توانمندی و بازسازی خویش ادامه دادند و بر بحران‌های مختلف فائق آمدند. این شهرها بر فراسوی شعاعی گسترده از طریق بنیادهای جدید احیاء شدند و بروز آنها از طریق سیستم‌های جدید شهری تحقق یافت. حضور فرهنگ اسلامی در اقلیم‌ها و سرزمین‌های مختلف و نیز امکانات نامحدود ترکیب و تلفیق فرهنگ بومی با فرهنگ اسلامی، به عرضه نوعی وحدت در بسیاری از مفاهیم و مظاهر شهری در آنها منجر شده است. از سوی دیگر تاریخ، موقعیت جغرافیایی و تنوع قومی، اختلافاتی را نیز در این پدیده‌های شهری به وجود آورده است، چه برخی از این فرهنگ‌ها به سنت‌های شهرنشینی دوران باستان نیز مجهز بودند که این خود تأمل برانگیز است. (دانش، ۱۳۹۰: ۵۹۰)

بافت تاریخی شهرها دارای ویژگی‌ها و مشخصه‌هایی است که آن را از بافت‌ها و پهنه‌های پیرامونی و بلافصل و نیز سایر قسمت‌های شهر متمایز می‌کند. وجود و استقرار عناصر، راسته‌ها، گره‌های ارزشمند تاریخی، فرهنگی، سیاسی و تجاری به همراه تفاوت قدمت و عمر بناها، ظرفیت گردشگری و نقش آنها در تقویت هویت فرهنگی و تاریخی، ضرورت نگاه متمایز مدیریتی به این مناطق را نسبت به سایر مناطق شهری ایجاب می‌کند. (طاهرخانی و متوسلی، ۱۳۸۵: ۹۷) شهرهای ایران که دارای ویژگی‌های تکامل یافته در قرون متمادی بودند، در عرض چند دهه دچار تحولی عظیم شدند. آنچه را که این شهرها به عنوان خصوصیات کالبدی خود داشتند، فضاها و عناصر ارزشمندی منبعث از فرهنگ حاکم بر زندگی شهروندان بودند. هر فضا یا عنصر معماری-شهری، طبق نیازهای روزمره ساکنان شهرها و در پاسخ به رشد و دگرگونی جامعه شهری طی زمان شکل گرفته و تکامل یافته بود. بافت‌های قدیمی به همراه عناصر و فضاهای شهری درون خود، مانند شبکه معابر، بازارها و آب انبارها، مساجد و کاروان‌سراها و... علاوه بر شکل فیزیکی قابل توجه و خصویات کالبدی، ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی و تاریخی ویژه‌ای را در خود نهفته داشتند. (حیبی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۶)

با گذشت زمان، اگر شهرها بتوانند، کماکان اصول و ارزش‌های مورد قبول و هویت‌ساز خود را به ناظر و جامعه القا کنند، می‌توانند به نقش ارزشمند هویتی خویش تداوم ببخشند. اما اگر نتوانند نقش مورد نظر و مورد نیاز جامعه را ایفا کنند، به مرور مهجور و مضمحل خواهند شد و نقش هویتی خویش را از دست خواهند داد. علاوه بر اصول و ارزش‌ها، اگر شهرها و عناصر شهری بتوانند خود را به عنوان یک الگوی برتر و پایدار و پردوام که از نمونه‌های بیگانه خود برتر و زیباتر و شاخص‌تر باشند مطرح کنند نیز، همچنان به عنوان عامل هویتی جامعه ظاهر خواهند شد. به ویژه اگر آثار در دوره ایجاد خود واجد برتری‌های هنری و تکنیکی و علمی باشند، نقش هویتی‌شان تقویت و تثبیت خواهد شد. در واقع، نکته مهم، اصول و ارزش‌هایی هستند که این عوامل هویت‌ساز، به آنها اشاره می‌کنند. از این رو، شناسایی اصول و ارزش‌هایی که زمینه‌ساز شکل‌گیری عوامل هویت‌ساز، بوده‌اند، از اهمیت و جایگاه در خور توجهی برخوردار هستند. لذا این پژوهش تلاشی است در جهت شناساندن گوشه‌هایی از اصول و ارزش‌های حاکم بر منظر شهرهای ایرانی-اسلامی و این که چگونه می‌توان این الگوهای سنتی را در شکلی نوین ارائه داد و در توسعه مکان‌های شهری از آنها بهره جست.

یکی از مسائل مبتلا به جوامع امروزی، جدایی انسان از مبانی معنوی و تمرکز بر جنبه‌های مادی حیات است؛ از جمله در مقوله معماری و شهرسازی نه تنها عبارات، محیط و فضا پیام و معنایی معنوی و روحانی را القا نمی‌نماید، بلکه انسان‌ها نیز غالباً در پی ایجاد محیط‌ها و فضاهای کیفی، معنادار و روحانی که تجلی آرمان‌های معنوی حیات باشند نیستند. معماری و شهر مسلمین که روزگاری سرشار از معانی و رموز و اسرار و حافظ تعادل حیات بود در دنیاگرایی، به دنباله‌روی از غرب پرداخته است که شهرهای ایرانی نیز از این بلیه بی‌نصیب نمانده و به ویژه در چند دهه اخیر به ملغمه‌ای نارس از شیوه‌های گوناگون معماری غربی تبدیل شده‌اند.

بناهای مذهبی اعم از مساجد، حسینیه‌ها، خانقاه‌ها، مزارات و غیره به دلایل مختلف از جمله؛ «معنویت حاکم بر آنها»، «سابقه تاریخی»، «شیوه معماری» و «کارکرد فرهنگی-اجتماعی و اقتصادی» در بین مردم از گذشته تا به حال از اهمیت خاصی برخوردار بوده و جنبه «تقدس» یافته‌اند. بناهای مذکور، پویایی معنوی و کالبدی خود را در طول زمان حفظ کرده و به ندرت متروکه و رها شده‌اند. این مظاهر هنر معنوی (بناهای کالبدی - فرهنگی) همگام با ورود جامعه جهانی به عصر «فرانوگرایی» و «اطلاعات و ارتباطات» اهمیت ویژه‌ای یافته‌اند، زیرا «انقلاب انفورماتیک» باعث کمرنگ شدن اقتصاد مادی و توسعه اقتصادی متکی بر تولیدات فرهنگی شده است. توجه به پدیده‌های کالبدی و بناهای میراثی/تاریخی بویژه شهرهای تاریخی و اماکن مقدسه و متبرکه به لحاظ تنوع کارکردها و منافع مادی و معنوی حاصل از آنها افزایش یافته و به دلیل سهم فراوانی که در تأمین منافع ملی دارند در کانون توجه مسایل «اقتصاد فرهنگی» قرار گرفته‌اند. چشم‌انداز «اقتصاد قرن بیست و یکم» روشنایی بخش غلبه «اقتصاد فرهنگی» بر سایر جنبه‌های اقتصادی در تأمین زندگی مردم است. در چارچوب همین بینش فکری، مسأله «شهرهای تاریخی» و بناهای با

کارکرد «فرهنگی - اجتماعی» موجود در شهرها اهمیت بسزایی یافته و کانون مطالعه و توجه نظریه‌پردازان «اقتصاد فرهنگی» و شهرپژوهان قرار گرفته است.

بافت‌های تاریخی و فرهنگی شهرها آثار گران‌بهایی هستند که نشانه فرهنگ و دانش معماری و شهرسازی بومی‌اند و به عنوان جزئی از هویت اجتماعی هر قوم و کشوری تلقی می‌شوند. این بافت‌ها در شهرهای ما، دربردارنده ظرافت و زیبایی و نیز روح خلاق مردمی است که طی سالیان دراز آنها را بر طبق سنن، فرهنگ و نوع معیشت خود به وجود آورده‌اند. بافت‌های تاریخی و فرهنگی به عنوان هسته قدیمی و تاریخی دارای قابلیت‌های بالفعل و بالقوه‌اند که در صورت عدم پیش‌بینی تمهیدات لازم، موجب آسیب‌های جبران‌ناپذیر و اتلاف سرمایه‌های فرهنگی می‌شود. (قربی و مدیری، ۱۳۸۷: ۷)

## ۲- مبانی نظری

رشد سریع و ناهنجار مراکز شهری، افزایش جمعیت شهرها و همچنین گسترش ساخت و سازهای نامتناسب شهری، منجر به زیان بیشتر به بافت‌های تاریخی و بی‌هویتی شهر و تأثیر منفی بر ساکنان شهر می‌شود. بنابراین، حفظ بافت تاریخی به‌عنوان هویتی ضروری برای ادامه حیات شهرها مطرح می‌گردد. اهمیت و ضرورت حفظ آثار کهن نه به عنوان پدیده‌های نمادین، بلکه به دلیل شناخت سیر تحول و تکامل تاریخ شهرسازی و تمدن شهرنشینی، حفظ هویت و اصالت شهری و تبیین حیات شهری بر اساس شواهد و مدارک علمی همواره مورد توجه بوده است. (کیانی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۲) گسست تاریخی روزگار معاصر از سیر تکامل دستاوردهای پیشکسوتان معماری، موجب تولید فضایی ناخوانا در شهرهای امروز گردیده است تا جایی که رابطه‌ای منطقی بین معماری معاصر ایران و معماری تاریخی آن وجود ندارد از میان بردن این گسست نیاز به شناخت و درک ساختارهای موجود در معماری گذشته و به کارگیری این ساختارها به شکل جدید در معماری معاصر می‌باشد.

بافت‌های تاریخی با توجه به حفظ بخشی از کالبد خود و پذیرش نقش‌های اجتماعی جدید مهمترین بخش‌ها برای احیا مفاهیم شهر ایرانی اسلامی هستند از سوی دیگر همواره باید در نظر داشت شهرها شکل‌گرفته مردمان و انسانها محصول فرهنگ جامعه هستند. شکل‌گیری شهرهای سنتی ایرانی و اسلامی در واقع محصول فرهنگ پیشرو دوران اوج تمدن اسلامی بوده است. از اینرو توجه به این مبانی در طرح‌های مرمت و بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرهنگی اجتماعی موجود در احیای کیفیات شهری گذشته ضروری به نظر می‌رسد. این احیا خود نیازمند نگاه چندبعدی است که علاوه بر تامین نیازهای روز یک ایرانی مسلمان، کیفیات معنوی و متعالی شهری نیز در آن متبلور شود. هدف این نوشته نیز تبیین اهمیت موضوع فرهنگ در شکل‌گیری شهرهای ایرانی و ضرورت توجه به آن در طرح‌های مرمت بافت‌های تاریخی شهری با رویکرد احیای مبانی شکل‌گیری بافت‌های تاریخی است. با توجه به این مسئله که در شهرهای ایرانی اسلامی همواره مساجد و مراکز مذهبی نقشی حیاتی در بافت شهری در ابعاد کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایفا می‌کردند توجه این نوشته به نقش این مراکز در طرح‌های مرمت بوده و نسبت به ارائه راهبردهای احیای مراکز مذهبی و تأثیرات فرهنگی اجتماعی آنها در محله تاریخی پشت گنبد اصفهان به عنوان محدوده مطالعه اقدام نموده است.

## ۲-۱- ساختار و هویت شهر اسلامی

شهرسازی ایرانی در پی تحقق بخشیدن به اصلی است که جهان بر آن قرار دارد، یعنی اصل تعادل، تا از طریق ایجاد تعادل فضایی و توازن کالبدی به وحدت دست یابد. همه عناصر به منزله یک ترکیب هنری و کلامی برای بیان این اصل به کار گرفته می‌شوند. آهنگ، تکرار، انقطاع، تداوم، یکسانی، بازگشت به آهنگ و بازآمدن به تباین و... مقدمه و مؤخره، پیش درآمد، اوج، فرود و... در ماهرانه‌ترین ترکیب فضایی و بیان کالبدی چهره می‌نمایند. (نوریان، ۱۳۹۰: ۸۲۱) نحوه شکل‌گیری اصول طراحی شهر سنتی اسلامی عمدتاً به ارزش‌ها و اعتقادهای فرهنگی اسلام وابسته است. این موضوع قاعدتاً در ماهیت احکام اسلامی ریشه دارد، به طوری که کلیه جنبه‌های زندگی مسلمانان را تحت شعاع قرار داده است. به همین خاطر است که دین اسلام بیش از ایمان معنوی، به عنوان شیوه زندگی شناخته شده و از سکونتگاه‌های آن نیز به عنوان کتاب تمدن یاد می‌شود. (علیزاده و حبیبی، ۱۳۹۰: ۷۶) در شکل‌گیری شهرهای اسلامی عوامل مختلفی وجود دارد که می‌توان آنها را به چند دسته کلی زیر تقسیم بندی نمود:

عوامل طبیعی: منظور از این دسته، مواردی است که در شکل‌گیری هر شهری از جمله شهرهای اسلامی می‌تواند دخیل و تأثیرگذار باشد که از آن جمله می‌توان به اقلیم، توپوگرافی منطقه، مواد و مصالح ساختمانی موجود و قابل استفاده و... اشاره نمود. طبیعی است در غالب موارد، تشابهات عوامل طبیعی نتایج مشابهی را در شکل دادن به شهرهای اسلامی به لحاظ ریخت‌شناسی موجب شده است.

عوامل مصنوعی: این عوامل، عواملی است غیر از عوامل طبیعی که خود به دو دسته قابل تقسیم است؛ عوامل مؤثر در فیزیک و صورت شهر، عوامل تأثیرگذار در بنیاد و باطن شهر اسلامی.

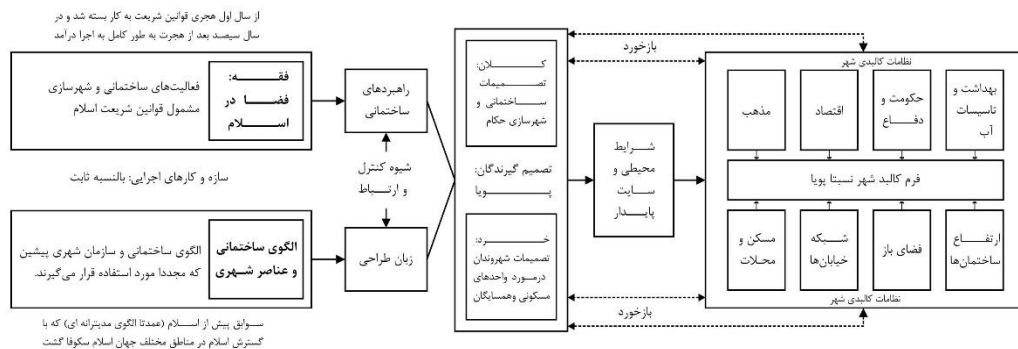
منظور از عوامل مؤثر در فیزیک و صورت شهر، عواملی چون تکنیک‌های ساخت و ساز ابنیه و شهرها و قواعد و اسلوب آن و نیز قوانین منبعث از شریعت و فقه اسلامی است که می‌تواند حاوی دستورالعمل‌هایی برای ساخت ابنیه شهری باشد. اما آن چه به باطن و بنیان شهر اسلامی، صبغه اسلامی می‌بخشد، صرفاً رعایت برخی نکات فقهی نیست، بلکه مفاهیمی چون نظم و سلسله مراتب شهری، وحدت بافت شهری، عدم تمایز اجتماعی و... است که به تفصیل بدان پرداخته می‌شود. عوامل مذکور را می‌توان به طریقه دیگری نیز دسته بندی نمود تا در آن مفهوم دین به صورت جدی تری مورد بحث قرار گیرد:

عوامل برون دینی مؤثر در شکل گیری شهر: در این دسته عوامل طبیعی و برخی عوامل مصنوعی همچون تکنیک ها و اسلوب ساخت و ساز قرار می گیرد. این قواعد امری ورای پیام و فحوای ادیان و مذاهب الهی است که از طریق آموزش و تجربه قابل فراگیری و انتقال است و منحصر در چارچوب فرهنگی خاصی نیست.

عوامل درون دینی مؤثر در شکل گیری شهر: منظور عوامل مرتبط با شرایع و حقایق دینی است که به طور مستقیم می‌تواند در کالبد و معنای شهر اسلامی تأثیرگذار باشد.

برای بنیان و ساکنان شهر اسلامی، شهر به منزله انعکاس ارزش‌های اسلامی است. گذشته از تمام گوناگونی های متأثر از عوامل طبیعی، شهر در اسلام غرق در ایمانی واحد است و در حالی که معیارها و قوانین زندگی بر آن حاکم و مسلط است، شکل مشخصی از معماری را ارائه می‌دهد. در این شرایط عوامل و اصول منبعث از فرهنگ دینی، شبکه قدرتمندی را ایجاد می‌کند که در صورت تعارض با عوامل بیرونی، به طرد و حذف آن پرداخته، جایگزین دیگری را برای آن می‌طلبد و یا آن که در صورت امکان آن را جذب و تعدیل می‌کند.

دین اسلام از قلب سرزمین عربستان با سنن بسیار قوی عربی در سطوح مختلف حیات اجتماعی از جمله امور ساختمانی ظهور یافت. بسیاری از این سنن که در انطباق با ارزش‌های اسلامی قرار نداشتند، ممنوع و مایقی با برخی تعدیلات جذب تمدن اسلامی شدند. جوانب مختلف امور ساختمانی قبل از اسلام نیز در فرهنگ اسلامی جذب و تعدیل شد و سپس با خصوصیات اسلامی متمایز ظاهر گشت. (حکیم، ۱۳۸۱: ۲۱) ریشه های نظم و یکپارچگی موجود در اکثر شهرهای جهان اسلام عمدتاً به ارتباط بخش ها و ترکیب نظام مندناشی از آن قابل استناد است که به واسطه مجموعه ای از راهبردها و اصول ساختمانی، به وجود آمده و حفظ می شوند. این مجموعه، محصول فقه می باشد: ساز و کاری که نظام ارزشی شریعت را در چهارچوب فرآیند ساخت و ساز و توسعه شهری تفسیر نموده و به کار می‌بندد. از اینرو تمامی شهرهای جهان عرب و اسلام که عمده ساکنان آنها مسلمان بوده‌اند، دارای هویت اسلامی مشترکی هستند که به طور مستقیم از کاربست ارزش‌های شریعت در فرآیند شهرسازی حاصل آمده است. (همان: ۳۶۱)



تصویر ۱: الگوی ارائه شده توسط حکیم در ترسیم مؤلفه‌های مؤثر بر شکل‌گیری شهر سنتی اسلامی (حکیم، ۱۳۸۱: ۳۹)

شهر اسلامی در ابتدا با نفوذ در پوسته تمدن‌های دیگر و با استفاده از جلوه‌های تجلی آن، نمود می‌یابد تا نیازهای ابتدایی جوامع تازه مسلمان را پاسخگو باشد. پس از آن با نضج و استحکام یافتن فرهنگ اسلامی و گسترش حیطه آن، نیاز به ساخت مستحدثات جدید افزایش یافته، شهرهای گذشته گسترش می‌یابند و شهرهای جدید در نواحی مختلف برپا می‌شوند. با پراکنده شدن نوای وحدت‌گرایی این آیین، شهر نیز جلوه‌های حقیقی و معنوی می‌یابد و با رعایت اصولی همچون سلسله مراتب، حریم خصوصی، نظم، تعادل و... در کالبدی پیچ در پیچ، سعی در همسازی با این فرهنگ را دارد و بدین ترتیب قالب شهر اسلامی شکل می‌گیرد و تا قرن‌ها به حیات خویش ادامه می‌دهد. (دانش، ۱۳۹۰: ۶۰۴) دین مبین اسلام با یک چهره صددرصد اجتماعی، به پدیده شهر چون آمیزه‌ای از جسم و جان نگر بسته و حیات و بالندگی آن را در گرو سلامت هر دو عامل می‌داند. مکتب اسلام در حین ترسیم شمایل یک شهر مطلوب، خود را آماده پذیرش بهترین‌های تمدن‌های پیش از خود کرد تا جایی که استفاده از کلیه دستاوردهای فرهنگی، هنری ملل تابعه تا آنجا که با مبانی آن مغایرت نداشت بلامانع بود. با مرور اسلام شهرهای ایرانی، اجزاء و ارکان آن و اجتماعات پدیده آمده با فرهنگ اسلامی با عبارتی نظیر عدالت اجتماعی، امنیت اجتماعی و فردی، توجه به اقشار کم

درآمد اجتماعی و محرومین، تعاون، روح همسایه داری، صلح و... روبرو می شویم که نمود آن در شهر به صورت وحدت فضایی در بافت، برجیده شدن نظام طبقاتی قبل از اسلام، رعایت مرزهای خصوصی و عمومی، مکانیسم مه‌ای عام المنفعه نظیر وقف، نظام سلسله مراتبی خانه، کوی، کوچه، گذر، دیوار دفاعی، بازار، مسجد و ... قابل مشاهده است و این همه در یک ترکیبی بی نظیر اسلام شهرهایی را پدید می آورد که در بستر زمان پایداری خود را حفظ کرده است. (سلخی خسرقی، ۱۳۹۰: ۷۰۷)

## ۲-۲- نقش فضاهای مذهبی در شهر اسلامی

در شهرسازی اسلامی، به گونه‌ای روابط بین فضاها و عملکردهای مختلف برای جلوگیری از مزاحمت‌های مذهبی، سلسله مراتب فضاهای عمومی، نیمه عمومی، نیمه خصوصی و خصوصی، تفکیک متناسب قلمروهای شهری، تأمین امنیت جانی و مالی، در نظر گرفتن مقیاس انسانی در شهرسازی، در نظر گرفتن وحدت، ایجاد محلات متجانس و جلوگیری از قطب بندی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، در نظر گرفتن فضاهای عمومی برای شهروندان، ایجاد فضایی برای القای احساس امنیت و توسعه عدالت و تابعیت از قوانین بین‌المللی، بهره‌گیری از زیبایی برای رسیدن به کمال مطلوب، پیوستگی فضایی و وجود فضاهای آشنا و قابل دفاع از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. (کمیلی و خدائی، ۱۳۹۰: ۹۵۱)

در شهرهای ایرانی اسلامی فضاهای مذهبی به ویژه مساجد همواره نقشی کلیدی در ساختار شهری داشتند. این مراکز علاوه بر ایفای نقش دینی خود در شهرها عاملی برای شکل‌گیری استخوان‌بندی شهر و برآورده نمودن نیازهای فرهنگی و اجتماعی شهروندان داشتند. مساجد همواره محل برقراری ارتباطات اجتماعی در سطح محلات و شهرها بودند. بسیاری از کنش‌های اجتماعی و اقتصادی مردم مانند آموزش (مسجد مدرسه‌ها و یا برگزاری جلسات درس در مدارس)، حل و فصل دعاوی، رفع مشکلات اجتماعی و حل مسائل اقتصادی در درون مسجد صورت می‌گرفته است. آنها از یک سو محل برگزاری مراسم عبادی بودند و از سوی دیگر، مکانی که زندگی اجتماعی ساکنان محلات را ساماندهی می‌کرده و به حل و فصل امور مردم می‌پرداخته‌اند. در تاریخ شهرهای ایران، به وفور نمونه‌هایی از این نوع عملکرد دوگانه مساجد یافت می‌شود به گونه‌ای که برخی مورخان غیربومی نیز به آن اشاره نموده‌اند. دروازه مسجد در ایران، با دو مناره در طرفین آن یادآور خاطره بهشت بوده که در میان دو مظهر متضاد تنها محور جهان است. (تقوایی و معروفی، ۱۳۸۹: ۲۲۱) می‌توان تحولات مسجد در شهر اسلامی را به چهار مرحله تقسیم کرد: مرحله اول آغاز دوره اسلامی بوده است که مسجد هنوز صورتی ساده داشت. در مرحله دوم روزگار بنی‌امیه بود که در آن مسجد و قدرت به هم پیوند یافت. مرحله سوم از روزگار خلافت عباسیان و شکل‌گرفتن امپراتوری اسلامی است، که در آن رفته رفته مسجد و قدرت سیاسی از یکدیگر جدا می‌شوند و سرانجام در مرحله چهارم که از قرن ششم آغاز می‌شود در شکل و پراکندگی مساجد دگرگونی‌های بسیار پدید می‌آید. (بریمانی و شعاع‌برآبادی، به نقل از اشرف، ۱۳۸۸: ۹۵)

در شهرهای اسلامی مسجد در مرکز شهر قرار داشت و در رابطه مستقیم با بازار و مراکز اجتماعی بود. مسجد را باید قلب تپنده شهر دانست که به خوبی وضع اجتماعی شهر را منعکس می‌کرد؛ چنانکه شادی و غم هیجانات اجتماعی را از ضربان آن می‌توان تشخیص داد. در پیرامون مسجد شهر موسسات اجتماعی همچون دارالحکومه، کاروانسرا و مهمانخانه‌هایی برای مسافران، محلهایی برای فقرا و بیویان، دارالشفاء، خانقاه، آب انبار، حمام و مدارس و پس از صفویه فضای حسینیه و تکیه قرار داشت. (شعبانی، ۱۳۸۰: ۴۸۹)

## ۲-۳- کارکردهای فرهنگی مساجد در شهر اسلامی

مسجد در صدر اسلام به عنوان اولین و با اهمیت‌ترین نهاد اجتماعی دارای وظایف و کارکردهای چندی بود، به گونه‌ای که افزون بر مهم‌ترین کارکرد آن عبادت؛ فعالیت‌های آموزشی، نظامی و سیاسی نیز در آن جریان داشت. مساجد بزرگ بعدی به ویژه در سده‌های میانه، فعالیت‌های گسترده‌تری از فعالیت‌های غیرعبادی یافتند. مسجد نه تنها به عنوان جایگاه اصلی اجتماع مؤمنان برای برگزاری مراسم مورد استفاده بود، بلکه کانون معارف و احکام اسلامی، مرکز جهاد تبلیغاتی و ارشادی، قرارگاه سیاسی و اداره دولت نیز به شمار می‌رفت. میتوان مهمترین کارکردهای فرهنگی مساجد در شهرها را به صورت زیر بیان کرد:

جدول ۱: کارکردهای فرهنگی مساجد در شهر اسلامی (مهدوی نژاد و مشایخی، ۱۳۸۹: ۶۸-۶۹)

شماره	کارکرد	شرح
۱	آموزش در مسجد	ایجاد فضای مدرس در مساجد، ایجاد مسجد مدرسه‌ها
۲	ارائه خدمات عمومی	ارائه کمک‌های عمومی
۳	دفاع و بسیج عمومی	ایجاد کانون‌های حضور و بسیج و فعالیت‌های جهادی
۴	مشورت و قضاوت	کانون حل اختلافات

کارکرد	شرح
۵	کانون‌های فرهنگی و اجتماعی
۶	ایجاد سازمان‌های مردم‌نهاد (تعاونی‌ها)، برگزاری جلسات شوراهای محلی
۷	جشن‌ها و مناسبت‌های عمومی
۸	برگزاری جشن‌های اعیاد مانند اعیاد فطر، قربان و...
۷	فعالیت‌های هنری
۸	تبلور هنر اسلامی در مساجد
۸	انجام مراسم آیینی
	اجرای مراسم آیینی چون عزاداری‌ها و...

## ۲-۴- بافت تاریخی

«بافت تاریخی-فرسوده شهری» به عرصه‌هایی از محدوده قانونی شهرها اطلاق می‌شود که به دلیل فرسودگی کالبدی و فیزیکی، عدم برخورداری مناسب از دسترسی سواره، تاسیسات، خدمات و زیرساخت‌های شهری آسیب‌پذیر بوده و از ارزش مکانی، محیطی و اقتصادی نازلی برخوردارند. (کیانی به نقل از شورای عالی شهرسازی و معماری، ۱۳۸۹: ۲۳) بهسازی و نوسازی بافت‌های تاریخی شهری نه تنها با هدف حفاظت از شهرها و بناهای فرهنگی صورت می‌پذیرد، بلکه پاسخی به نیازهای جدید شهری و شهروندان می‌باشد که موجب ترمیم خرابی‌های گذشته و آسیب‌های وارده بر بنا و شکل‌گیری عملکرد متناسب با نیازهای زندگی روز می‌شود. بافت‌های تاریخی شهرها تجسم عینی تمدن و فرهنگ هر جامعه و از بسترهای مناسب برای دستیابی به شاخص‌های مختص خود در فرآیند گفتگو و تعامل بین تمدن‌ها و فرهنگ‌هاست. این بافت سند عینی و ماندگاری هستند که به صورت امانتی ارزشمند از هنر و فرهنگ گذشتگان برای استفاده آیندگان از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است. (طاهرخانی و متوسلی، ۱۳۸۵: ۹۸) بافت تاریخی از مهمترین بخش‌های هویتی هر جامعه محسوب می‌شود و پیدایش آن پیرو اطاعت از ساختارهای اقلیمی و فرهنگی است. مجموعه‌ای منسجم از معماری، فرهنگ، اقتصاد و تبادلات اجتماعی یک ساختار شهری با پیشینه تاریخی باعث می‌شود که بافت‌های تاریخی به مرور زمان پدید آیند. لازمه این پیدایش اهمیت بخشیدن به اقلیم و توجه به فرهنگ‌های بومی منطقه است. بافت تاریخی شهرها دارای مشخصاتی چون قدمت تاریخی، بافت فشرده و در هم تنیده می‌باشد، وجود بافت تاریخی متمایز از سایر بافت‌های شهر بر اهمیت و جذابیت آن شهر می‌افزاید و کل بافت تاریخی شهر را به عنوان یک جاذبه مطرح می‌کند. (کردوانی و موردغفاری، ۱۳۹۰: ۲۲)

## ۲-۵- گسست فضاهای معاصر و بافت تاریخی شهرها

امروز فعالیت‌های برنامه‌ریزی شهری و شهرسازی ما به خوبی نشان می‌دهد که در دوران سرگستگی قرار داریم. غربی نزدیک آنچه امروزه با عنوان بحران و ناهماهنگی در ساختار شهرهای اسلامی از آن یاد می‌شود نتیجه‌ای است که در پی گسست فرهنگی و تزییق مؤلفه‌های غیربومی به پیکره فرهنگی جوامع در دهه‌های اخیر به وجود آمده است. تداوم سیر تاریخی و اصیل اولیه، راهبردی است که می‌تواند در تبلور مجدد مفاهیمی همانند مفهوم شهر اسلامی راهگشا باشد. طراحان و هنرمندان متعهد این عرصه باید علاوه بر توجه به راهبرد اصلی و مهم یاد شده و تلاش در جهت پیوند مجدد با هویت فرهنگی و حرکت در مسیر آن، به احیاء و تعریف مؤلفه‌ها و قالب‌های قابل ارائه در بنیان نهادن شهرهای جدید اسلامی بپردازند. هر چند طراحان و برنامه‌ریزان شهری در ابتدای امر و در رویارویی با برخی مباحث و فرآیندهای مدرن شهری که غالباً غیر بومی و وارداتی‌اند باید به حل فوری مسائل مهم و ضروری موجود جوامع شهری اقدام کنند. مسائلی همچون ورود اتومبیل به فضای شهرها و به تبع آن، نیاز به ساختار جدید حمل و نقل و از هم گسیختگی بافت غالب شهرهای قدیمی و یا نحوه شکل‌گیری و مکان‌یابی مراکز تجاری که جایگزین مفهوم سنتی بازار شده از جمله این موارد است. همچنین درنگی در مفاهیمی همچون مقوله بلند مرتبه‌سازی و باز تعریف مفهوم محله و خلق مفهوم جدیدی از مجتمع‌های زیستی با توجه به نیازها و اهداف جامعه شهری اسلامی از دیگر مباحث قابل تأمل امروزی است. (دانش، ۱۳۹۰: ۶۰۴)

حفظ هویت و بافت شهرهای سنتی اسلامی به عنوان الگویی برای مطالعه و پژوهش ضروری است. در این راستا، کنترل جمعیت ساکن در آن، نظارت بر ساخت و سازهای غیر اصولی و ناهمگون، کاهش عوامل ترافیک‌زا و نامأنوس با معابر شهری و... از جمله تمهیدات سلبی است که تا حدی از تخریب و انهدام این آثار جلوگیری می‌کند. هر چند این اقدامات به عنوان اقدامات سریع و اولیه لازم است، اما نباید منحصر در آن شود. حفظ، مرمت و احیای اصولی و قاعده‌مند این آثار، قدم دیگری است که در جهت حیات سودمند این آثار، تأثیرگذار خواهد بود. این همه در درجه اول نیازمند فرهنگ سازی است تا همگان را متوجه ضرورت امر کند و نظارت و دقت همگان را موقوف خویش سازد. (همان: ۶۰۵) امروزه در هم تنیدگی و پیوستگی مسجد با بافت‌های شهری بسیار کم‌رنگ شده است. بجز تحولات دوران مدرن و شکل‌گیری دیدگاه‌های عملکردگرا و تفکیک حوزه‌های عملکردی در طراحی مدرن شهر، مشکلات مختلف از جمله ایجاد درب‌های متعدد در مسجد باعث شده طراحان چندان به آن علاقمند نباشند. مشکلات

امنیتی، تداخل عملکردهای شهری بافت مجاور با عملکردهای مسجد، تداخل کاربران سایر فعالیتها با مسجد و کم‌رنگ شدن حریم مسجد و عدم رعایت شأن مسجد از مهمترین این مشکلات است.

## ۲-۶- اهمیت شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی در طرح‌های مرمت شهری

از دیرباز درباره نسبت و رابطه میان برنامه‌ریزی و فرهنگ دو رویکرد کلان وجود داشته است. برابر رویکرد اول فرهنگ دارای ساختار ویژه‌ای است که دگرگونی‌ها و تغییرات آن کاملاً تابع ساز و کارهای درونی و تاریخی اش می‌باشد و به هیچ رو نمی‌توان از بیرون و مطابق طرح و برنامه‌ای خاص تغییرات پیش بینی شده‌ای را در آن پدید آورد. اما رویکرد دوم فرهنگ را همان سایر پدیده‌های اجتماعی قلمداد می‌کند و امکان برنامه‌ریزی در این زمینه را میسر و تا حدود زیادی ضروری می‌انگارد. ظاهراً تجارب بشر در زمینه تغییر فرهنگی که طی دهه‌های اخیر صورت پذیرفت، تا حدود زیادی صاحب نظران را متقاعد کرده است که می‌توان با تکیه بر برنامه‌ریزی‌های معینی به دگرگونی‌های مطلوبی در حوزه امور فرهنگی دست یافت. تجربیات جهانی نشان داده است نگاه صرف کالبدی به شهر و خصوصاً بافت قدیم جوابگوی نیازهای مردم نیست. در اکثر کشورهای اروپایی و آمریکایی علاوه بر دید کالبدی رویکرد فرهنگی را نیز وارد برنامه‌ریزی کرده اند شهرهایی مانند پاریس، بروکسل، لندن نمونه‌هایی از ترکیب برنامه‌ریزی کالبدی و فرهنگی هستند. در ایران نیز احساس می‌شود که رویکرد برای مداخله در بافت قدیم باید با چهارچوب فرهنگی یا به عبارتی همراه با برنامه‌ریزی فرهنگی باشد. رکود اقتصادی بافت تاریخی خروج ساکنین از بافت و جایگزینی ساکنانی که هیچ تعلق به بافت ندارند، آوردن فرهنگ‌های بیگانه و ناهمگون با بافت از بین رفتن زیر ساخت‌های اجتماعی و... همه و همه عواملی موثر برای برنامه‌ریزی فرهنگی در بافت می‌باشند.

## ۳- مواد و روش‌ها

میدان نقش جهان اصفهان، پس از سپری شدن دوران صفویه، دیگر هیچگاه به شکوه دیرین خود باز نگشت. محلات تاریخی پیرامون میدان نیز علی‌رغم مجاورت با این عنصر ملی، از گزند گذشت زمان و تغییرات همه‌جانبه جامع مدرن در امان نماندند. محله پشت گنبد در حال حاضر از مناطق کور و گره خورده پیرامون میدان نقش جهان به‌شمار می‌آید که با توجه به موقعیت خاص خود، می‌تواند در عین حفظ بافت و زندگی سکونت، نقش ملی، منطقه‌ای نیز ایفا سازد و حیثیتی جدید و خاص بیابد. در واقع ایجاد نوعی آشتی، هماهنگی و همکاری مابین میدان با محلات اطراف آن، همچنین مسجد با محله پشت آن، جهت بسط توانایی‌های این محله ضروری به نظر می‌رسد. (کرباسی و سلطانی، ۱۳۸۳: ۲۸۶) محله پشت گنبد که در پشت مسجد شیخ لطف الله قرار دارد و از بخش‌های قدیمی و تاریخی شهر اصفهان به‌شمار می‌آید. پس از گذر زمان و پس از تشکیل و ساخت میدان نقش جهان در دوران صفوی و خیابان‌کشی‌های دوره پلوی اول حدوده و ثغور این بخش از شهر و محلات پیرامونی آن به شکل کنونی درآمده است. محله پشت گنبد از شمال به خیابان حافظ، از شرق به خیابان نشاط، از غرب به میدان نقش جهان و از جنوب به کوچه شهید بحرینی و بازار چهارسوق مسعود محدود شده است. قرارگیری این محله در قسمت مرکزی شهر و نزدیکی آن به مراکز عمده و مهم شهری مانند سایر نقاط مرکزی در سایر شهرهای تاریخی ایران دارای محاسن و معایبی ویژه می‌باشد.



تصویر ۱۱: محدوده محله پشت گنبد (نگارندگان)

## ۳-۱- شناخت بافت تاریخی محله پشت گنبد اصفهان

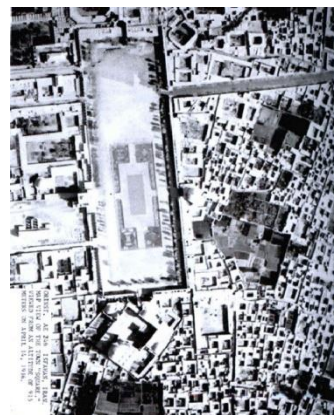
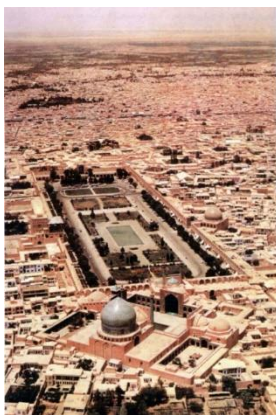


میدان نقش جهان به عنوان هسته مرکزی شهر اصفهان (از عصر صفوی به بعد) مرکز تبادل کالا و افکار در شهر، دارای عملکرد فرا شهری بوده است. گذرهای منتهی به آن به فراخور طول خود و یا امکان ارتباط با دیگر نقاط عمده‌ی شهری واجد ارزش‌های متفاوتی بوده‌اند. چنانچه پیش از این آمد محورهای بارزش محدوده شامل محور بازار به عنوان مهمترین محور است که ضرورت تداوم آن به سمت شمال، با توجه به همیت تداوم حرکت پیاده در بافت و تاثیر آن در ماندگاری بیشتر گردشگر و استفاده از ویژگی‌های ناشی از مجاورت این محور با ابنیه شاخص و بارزش تاریخی احساس می‌شود. از آنجایی که این محور بخشی از ساختار اصلی شهر و آن هم به عنوان پیوند دهنده در مرکز ساختار، تشکیل می‌دهد، می‌توان گفت که در صورت احیای عناصر مجاور آن و اتصال کالبدی آن با بافت شمالی زمینه استفاده بیشتر از عناصر تاریخی که از محورهای درجه دوم به بازا متصل می‌شوند نیز از منظر گردشگری بیشتر می‌گردد که خود می‌تواند سوای از اثرات فرهنگی و اجتماعی، ارتقاء وضعیت اقتصادی را در داشته باشد.



تصویر ۲ و ۳: عکس هوایی سال ۱۹۳۷ از محدوده مورد مطالعه (اریک ف، ۱۳۷۶)

این میدان به شدت در اطراف خود نیازمند فضایی است که به آن حیثیت ملی، فرهنگی و حتی اقتصادی بخشد. متذکر بودن آنچه انسان امروز فراموش کرده، از طریق کالبد، فضا و به دنبال آن عملکردهایی که در فضا جاری می‌شود و ایجاد فضایی مطلوب برای پرورش و زیست انسان امروز و ارتقاء او از اهداف اساسی است. این تقویت و ارتقاء از ابعاد محلی آغاز می‌شود و می‌تواند تا ابعاد جهانی گسترش یابد. در این میان، به دنبال از میان رفتن سیستم ریش سفیدی در داخل محلات احیای مسأله مشارکت مردم در مفهوم بخشیدن به فضای زندگی، افزایش ارتباط ساکنان باهم و دلبستگی‌شان به زمین، طبیعت و فضاهای زیست محله و ایجاد یک زندگی مرفه (دارای ویژگی‌ها و کیفیت خاص) که در عین ارتقاء رتبه اجتماعی، خاطره‌های فرهنگی را نیز یادآور می‌سازد از دیگر اهداف عمده در تصمیم‌گیری‌های نهایی است. (همان)



تصویر ۴: شرق و جنوب مسجد جایی که بدنه‌ها به بازار متصل می‌شود نیز در عکسهای اشمیت مشهود است. (اریک ف، ۱۳۷۶)

تصویر ۵: عکس هوایی سال ۱۳۵۵ و دید به محدوده جنوب و شرق میدان سال ۱۳۸۰ (وبسایت شهرداری اصفهان)

دو لکه بزرگ تاریخ مسکونی در بافت به چشم می‌خورد که یکی در محدوده غرب و دیگری در شرق میدان نقش جهان قرار دارد. لکه غربی که به نام محله پشت گنبد شناخته می‌شود، انسجام بافت خود را علی‌رغم تغییرات ایجاد شده حفظ نموده و هنوز شکل اولیه و طبیعی خود را از دست نداده است و با اندک تغییرات می‌تواند دوباره زنده و پویا شود. با توجه به برسیهای صورت



گرفته این محدوده شامل بناهای صفوی و قاجار است. محلات قدیمی اصفهان و محدوده مورد مطالعه با بررسی‌های صورت گرفته بر روی نقشه‌های تهیه شده در دوره پهلوی اول (۱۳۰۲-۱۲۹۹ ه.ش) عکس هوایی سال ۱۳۵۵، عکس‌های هوایی "اشمیت، اربش‌فردریش" و نقشه‌های فعلی اصفهان نکاتی در مورد چگونگی بافت محله دریافت می‌شود:

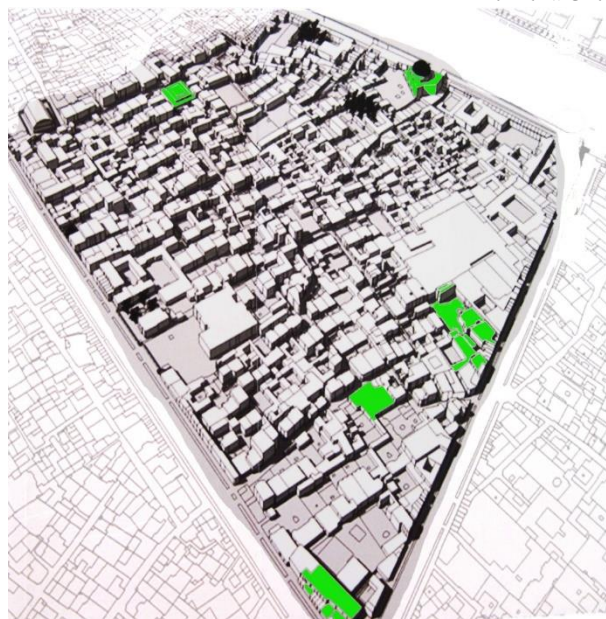
- بافت محله در گذشته نیز بطور عمده دارای کاربری مسکونی بوده است.
- عمده تغییرات صورت گرفته در بافت محله در مقایسه با بافت تاریخی شامل ساخت و سازهایی است که در محل باغات صورت گرفته به نحوی که تقریباً اثری از آنها باقی نمانده است. این ساخت و سازها در سه بخش اصلی اتفاق افتاده است:

الف- بخش شمالی بافت محله: محل باغات ابتدا به پارکینگ و در حال حاضر به حوزه علمیه (درحال ساخت) تغییر کاربری- کالبدی داده است.

ب- بخش جنوبی محله: ساخت و سازهایی با کاربری مسکونی، آموزشی و عمدتاً در دوره پهلوی اول در محل باغات و زمین‌های زراعی شکل گرفته‌اند.

ج- بخش شرقی محله: باغات و فضای سبز تخریب شده و به جای آن اداره پست نشاط و چند منزل مسکونی ساخته شده است.

در مجموع تنها لکه‌های سبز کوچکی از دوره‌های قبلی و در محدوده جنوبی و شرقی باقی مانده است که این نقاط نیز به دلیل عدم توجه و مالکیت مشخص رو به زوال می‌باشد. در بررسی غرب سایت یا به عبارت بهتر شرق میدان نقش جهان در عکس‌های گذشته، که در حال حاضر بیشتر شامل زمین‌های متروک، پارکینگ و بطور عمده فاقد نظم، طرح و نسق خاصی است. وجود کاروانسرا در شمال و جنوب بازار مقصود از دوره صفویه در عکس‌های اشمیت مشهود است که به ترتیب عبارتند از سرای نخجوانی‌ها و کاروانسراهای مقصود بیک که سرای نخجوانی‌ها در عکس هوایی سال ۳۵ نیز دیده می‌شود. در حال حاضر سرای نخجوانی‌ها به جز دو بدنه خود، به محلی مخروبه تبدیل شده که به عنوان پارکینگ از آن استفاده می‌شود. در محل کاروانسرای مقصود بیک نیز خانه‌هایی از دوران پهلوی و معاصر ساخته شده‌اند.



شکل ۲: مراکز مذهبی موجود در بافت تاریخی محله پشت گنبد (نگارندگان)

#### ۴- یافته‌ها

با توجه به موارد مطرح شده، راهبردهای اصلی احیای مراکز مذهبی را در محله پشت گنبد می‌توان در ابعاد: احیا فراگیری و عمومیت عناصر مذهبی در بافت محله، قرارگیری فعالیت‌های سازگار در داخل و یا اطراف مراکز مذهبی، افزودن فضای باز و نیمه‌باز، افزایش سرانه‌های مراکز مذهبی، احیای کالبدی مراکز مذهبی به عنوان نشانه‌های شهری، طراحی و ساخت هدفمند این مراکز در محله، بهبود جانمایی و سلسله مراتب دسترسی به مراکز مذهبی و تقویت مشارکت عمومی با رویکرد اسلامی در محله دسته‌بندی نمود که به اختصار به هریک از آنها اشاره شده است:

#### ۴-۱- فراگیری و عمومیت عناصر مذهبی در بافت محله

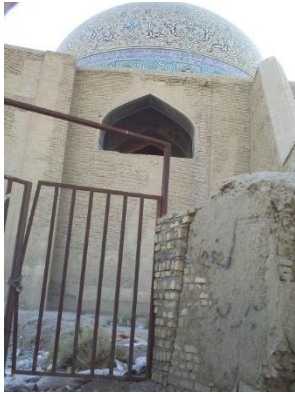
همان‌طور که بیان شد در شهر سنتی اسلامی ایرانی بناهای مذهبی به ویژه مساجد نقشی چند بعدی در ساختارهای شهری ایفا می‌کردند آنها در بعد اجتماعی علاوه بر برگزاری مراسم‌های مذهبی نقشی موثر در برگزاری تجمعات، جلسات و ارتباطات شهروندان را ایفا می‌کردند. این عملکرد چند بعدی نیز با رویکرد افزایش مشارکت و حضور مردم باید در طرح‌های مرمتی دیده شود. مرمت مراکز مذهبی می‌بایست به گونه‌ای انجام پذیرد که این مراکز به معنای واقعی کلمه به عنوان بخشی از مجموعه شهری و فضایی عمومی به شمار آیند. برای این منظور می‌بایست امکان حضور و تجمع مستمر و همیشگی گروه‌های مختلف اجتماعی در ساعات مختلف شبانه روز فراهم گردد. هرچه حضورپذیری و تجمع پذیری این مراکز افزایش یابد این مراکز پر رونق تر خواهند بود و نقش پررنگتری در محلات و بافت‌های تاریخی ایفا خواهند نمود. این در حالیست که در حال حاضر، حضور در این مراکز فقط در ساعات خاص و آن هم جهت برگزاری مراسم ویژه امکان‌پذیر است و که نمی‌توان در چنین شرایطی انتظار برقراری تعاملات اجتماعی حتی در سطوح کم را هم داشت. به عنوان مثال قرارگرفتن حیاط مساجد در مسیر عبوری شهروندان، بسترسازی مناسب جهت امکان مکث و دیدارهای مردم و باز و یا نیمه باز بودن فضای مساجد چه به لحاظ ادراکی و چه از لحاظ فیزیکی (ورود و خروج) تاثیر مستقیم در توجه به ابنیه مذهبی در بافت‌های تاریخی خواهد بود که اینک در گذشته چنین نگرش‌های به صحن و محیط فضاهای عمومی وجود داشته است.

#### ۴-۲- قرارگیری فعالیت‌های سازگار در داخل و یا اطراف مراکز مذهبی.

تاسیس مستقل مراکزی چون کتابخانه‌ها، خانه‌های فرهنگ، شورای محلات و... مواردی هستند که در اثر توجه به ساختارهای شهری خارج از کشور بوده و شکل‌گیری بسیار از آنها به دلیل وجود مراکزی این چنین و یا مشابه آن در کشورهای دیگر می‌باشد. آنچه که تحت عنوان شهرسازی دوره جدید همچون موجی فراگیر به شهرهای بزرگ و سپس سراسر کشور رسید، چیزی جز انعکاس تحولات غرب نبود. سالها پس از انقلاب صنعتی در غرب، که دگرگونی‌هایی را در شیوه زندگی شهری به دنبال داشت، با نفوذ استعمارگران در ایران، الگوبرداری و برداشت‌هایی از شیوه غربی شهرنشینی و برنامه‌ریزی شهری به عمل آمد. (حیبی و همکاران، ۱۵:۱۳۹۰) ایجاد امکان جدید و نامگذاری آنها از همین دست اقدامات می‌باشد. این در حالیست که در گذشته‌های نه چندان دور بسیاری از این نیازها در همان مراکز مذهبی برآورده می‌شدند. تدریس علوم و برخی فنون، امکان تعاملات اجتماعی و تجمعات، اعتصاب و برخی اعتراضات، حل برخی دعوی و مشکلات توسط ریش سفیدان و علما نمونه‌های از آن موارد می‌باشد. البته با توجه به گستردگی نیازها و مشکلات ساکنین محلات و شهروندان شاید دیگر نتوان تمامی این فعالیت‌ها را در مراکز مذهبی پاسخگو بود، اما بازگرداندن برخی از فعالیت‌ها مانند فعالیت‌های آموزشی گروه‌های مختلف اجتماعی و یا فعالیت‌های فرهنگی-اجتماعی شهروندان در مراکز مذهبی می‌تواند علاوه بر رونق آنها موجب برطرف سازی برخی از نیازها به عنوان مثال کم بودن سرانه آموزشی و فرهنگی در محلات مختلف گردد. از سوی دیگر از آنجا که شکل‌گیری برخی فعالیت‌ها و کاربری‌ها در کنار یکدیگر به دلیل ایجاد تمرکز و رقابت و صرفه جویی در وقت و انرژی موجب تجمع و رونق بیشتر این مراکز کوچک می‌گردد این در حالیست که طراحی مناسب و شکل‌گیری در هم تنیده فعالیت‌های سازگار و همسو در داخل مجموعه و یا در کنار این مراکز موجب رونق و احیای هرچه بیشتر آنها خواهد بود. بدیهی است مرتفع نمودن نیازهای فرهنگی و اجتماعی که از رونق این مراکز منتج می‌گردد تاثیر مستقیم در رضایت‌مندی ساکنین محله و ارتقا کیفیت بافت‌های تاریخی خواهد داشت.

#### ۴-۳- افزودن فضای باز و نیمه‌باز و نیز افزایش سرانه‌های مراکز مذهبی

یکی از مشکلات مراکز مذهبی موجود در بافت تاریخی محله پشت‌گنبد آن است که این مراکز عمدتاً محصور، مسقف و دارای مقیاس‌های کوچک می‌باشند. وجود زمین‌های بایر، بناهای قدیمی فاقد ارزش، متروکه و مخروبه در کنار مراکز مذهبی و یا با فاصله‌های بسیار کم از آنها از یک سو و کم بودن سرانه‌های فضای سبز، فضاهای فرهنگی و ورزشی محله از سوی دیگر این فرصت را فراهم می‌آورد که با طراحی مناسب و روزآمد این بخش‌ها همراه با پوشش گیاهی مناسب و نورپردازی کافی (هر دو مورد از نیازهای محله می‌باشند) و اتصال آن به مراکز مذهبی و قراردادن مالکیت این فضا در اختیار این مراکز می‌توان علاوه بر ایجاد فضاهایی امن، ایمن جهت حضور و تجمع شهروندان و ساکنین موجب رونق هرچه بیشتر مراکز مذهبی گردید. در واقع علاوه بر استفاده مناسب از این فضاها در راستای رفع نیازهای محله، می‌توان با افزایش فضای این مراکز امکان فعالیت بیشتر و مناسب‌تری را بوجود آورد. فعالیت‌هایی که بروز آن در فضاهای عمومی و باز بر شکوه و تاثیر آن بیافزاید.



شکل ۴: فضاهای رها شده پشت گنبد شیخ لطف‌الله و در کنار سایر مراکز مذهبی دیگر (نگارنده، ۱۴۰۰)



شکل ۳: وجود کاربری‌های غیرمرتبط در کنار ورودی مساجد و آلودگی نماهای مراکز (نگارنده، ۱۴۰۰)

#### ۴-۴- توجه به ویژگی‌های کالبدی مراکز مذهبی

با فرض آن که بتوان این مراکز را به صورت مراکز عمومی و در معرض دید ساکنین و شهروندان قرار داد در صورتی که این مراکز فاقد ارزش‌های بصری مناسب و ویژگی‌های ارزشی کافی باشند نه تنها نقش این عناصر در احیای بافت‌های تاریخی کاهش می‌یابد بلکه باعث فاصله آن از سایر قسمت‌های بافت محله خواهد شد. در مقابل اگر وجوه کالبدی مراکز مذهبی در کنار سادگی و آراستگی دارای نشانه‌ها و نمادهای مفهومی اسلامی و ایرانی باشد علاوه بر شکوه و صلابت می‌تواند تبدیل به نمونه‌ای برجسته و تبدیل به الگوی شاخص برای ساخت بناهای محله گردد. استفاده از نمادها، عناصر، المان‌ها و فرما ارزشمند، تکرار این موارد و بروز ریتم‌های یکسان در محله علاوه بر ایجاد یکپارچگی باعث بروز هویت در محله و در نهایت ایجاد حس تعلق گردد. از سوی دیگر آراستگی همراه با سادگی و زیبایی نماها، بدنه‌ها و ورودی این مراکز می‌تواند خصوصاً در بافت ارگانیک و تاریخی محله پشت گنبد تبدیل به نشانه‌هایی گردد که علاوه بر خوانایی در بروز هویت بی‌تاثیر نخواهد بود.

#### ۴-۵- طراحی و ساخت هدفمند مراکز مذهبی

در حال حاضر با توجه به تراکم و ساختار بافت محله احداث کاربری مذهبی بر خلاف گذشته با مشکلات بسیاری مواجه است. دیگر زمین‌های باز و نامحدود و مناسب برای هر گونه ساخت و سازی وجود ندارد در حالی که محل قرارگیری مساجد و مراکز مذهبی بسیار حائز اهمیت می‌باشد. قرارگیری این مراکز در مسیرهای مناسب و سهولت در دستیابی به آن و نیز امکانات کافی در کنار این مراکز مانند محل پارک خودرو و... همگی عواملی است امکان استفاده از فضا را تسهیل کرده و باعث رونق و تاثیرگذاری این مراکز خواهد شد. فاصله مناسب این مراکز تا منازل مسکونی و تامین سرانه‌های مناسب (شعاع عملکرد مناسب) از دیگر موارد مهم در انتخاب محل احداث این مراکز می‌باشد. همانطور که پیشتر نیز اشاره شد با کمبود سرانه مراکز فرهنگی، ورزشی و مذهبی و ... در محله پشت گنبد مواجه هستیم، احداث مراکز جدید با جانمایی مناسب و ترمیم و مرمت بناهای مراکز موجود و نیز افزایش فضاهای اطراف آنها در جهت افزایش امکانات و تسهیل در دسترسی و استفاده از آن می‌تواند موجب رونق و منشاء تاثیر در احیا و ارتقاء کیفیت محله گردد.

#### ۴-۶- بهبود جانمایی و سلسله مراتب دسترسی

سلسله‌مراتب یکی از زیرشاخص‌های مهم عالم وجود می‌باشد. وجوه و جنبه‌های گوناگون این اصل را از منظر تمامی علوم و دانش‌های اسلامی و ایرانی می‌توان مورد شناسایی قرار داد. (علیمردانلو و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۸) طراحی شهری ایرانی-اسلامی، به نوعی بازتاب کاربرد کلیه اصول ساختاری موجود در طبیعت می‌باشد. کل‌های موجود در طبیعت از تعاملات کل‌های کوچکتر با مقیاس‌های مختلف در سلسله‌مراتبی که تا ساختار ماده پیش می‌رود، شکل گرفته‌اند. در شهرهای گذشته ما سلسله‌مراتب به صورت پیوسته در کلیه مقیاس‌ها از استخوان‌بندی شهر تا ترکیبات معماری مورد توجه بوده است؛ لیکن مرور تجربیات شهری معاصر نشان می‌دهد که لفظ سلسله‌مراتب به صورت صوری و غالباً موردی و موضعی مطرح بوده است نه اینکه مفهوم جامع آن (شامل موارد و مراتب لازمه و توجه به کلیت کالبد فضاهای شهری و معانی آنها) مورد توجه قرار گیرد. در حقیقت چیدمان‌های شطرنجی و شبکه‌ای بسیاری از طرح‌های شهری امروز تنها خیال انسجام شهری را با خود به همراه دارند؛ زیرا که در طرح‌هایی که امروزه با اهداف مختلف برای شهرها ارائه می‌شوند، مقیاس‌های میانی و فضاهای اشتراکی به عنوان دو عنصر ایجادکننده

سلسله مراتب و متعاقبا انسجام شهری مورد فراموشی قرار گرفته اند. (طیبیان و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۳) از اینرو اصلاح سلسله مراتب دسترسی در محله با تاکید بر تقویت نقش مراکز مذهبی میتواند نقش فرهنگی این اجزا را دو چندان نماید.

#### ۴-۷- تقویت مشارکت عمومی

در شهر اسلامی هر فرد دارای حق و تکلیفی است و بر این اساس شهروندان باید حق و حقوق یکدیگر را شناخته و رعایت کنند و در این شهر رعایت اصول شهروندی نیز یک ضرورت می باشد. مسجد محوری از زمان نبی اکرم (ص) آغاز شد و به مرور زمان تداوم آن مشهود است اما در شهر معاصر نقش فرهنگی اجتماعی مساجد کمرنگ شده است. از اینرو در طرح‌های مرمت، با توجه به ارزش‌های اسلامی و فرهنگ اصیل ایرانی، می‌تواند به بستری جهت حضور و مشارکت عمومی در مراکز مذهبی تبدیل شود. آنچه که در تمامی دوران‌های شهرهای ایران مشترک بوده، حضور مردم و وجود روابط اجتماعی حاکم بر آنها است که مهمترین اصل در پویایی فضاهای شهری به حساب می‌آید. مشارکت شهروندان در فرایند احیاء شهرسازی ایرانی- اسلامی می‌تواند تاثیرات گوناگونی از جمله در افزایش انسجام اجتماعی، کاهش آسیب‌ها و تنش‌های ناشی از زندگی شهری معاصر داشته باشد.

#### ۵- نتیجه گیری

شاید در یک نگاه کلی بتوان گفت یکی از راه‌حل‌های اصلی ارتقای نقش مراکز مذهبی و در نهایت مرمت و احیای بافت‌های تاریخی بازگشت به مفهوم گذشته و اولیه مساجد و تکایا و در کل، مراکز مذهبی است. شکل‌گیری این مراکز در استخوان‌بندی اصلی شهرها و محلات و استفاده زیاد در زمینه‌های مختلف از این مراکز نشان از اهمیت آن در زندگی روزمره مردم شهر و اهمیت در ساخت و چگونگی شکل‌گیری محلات دارد. سادگی و درعین حال سرشار از رمز و راز و مفهوم و معنی بودن این مراکز و خلاقیت‌های ظرفیت و در خور توجهی که در این امکان مورد توجه قرار گرفته است چه به لحاظ کالبدی و چه از نظر مفهومی و محتوی فضاها نشان از ارزش و اهمیت آن در ساختار شهر و زندگی مردم زمان خویش دارد. البته نمی‌توان کتمان نمود که فعالیت‌ها و معضلات در گذشته بسیار ساده‌تر و قابل حل‌تر از شرایط کنونی بوده و نیاز به مراکز و مراجع محدودتر بوده که در حال حاضر این مهم امکان‌ناپذیر نیست. اما الگوگیری کلی از گذشته چه از دیدگاه معمارانه آن که سرشار از رموز، معانی و اسرار است و چه از دیدگاه شهرسازانه و کلی‌تر جهت رونق بخشی به این مراکز در کنار استفاده از تجربیات و آموخته‌هایی که به مرور زمان حاصل شده است می‌تواند کمک شایانی به احیای نقش مراکز مذهبی و در نهایت ارتقا طرح‌های مرمت بافت‌های تاریخی شهری داشته باشد. توجه به نکته نیز ضروری است که اساس و بنیان پیدایش این مراکز بر اساس سادگی ظاهری و کالبدی آن بوده و توجه اصلی به محتوا و معنی موجود در این مراکز می باشد. عدم هماهنگی و توجه بیش از حد و نامعقول به این مراکز و شکوه ظاهری آن منجر به همان اتفاقی می‌شود که حاصل از بی‌توجهی به این مراکز است.

#### منابع

۱. اریک ف. اشمیت (۱۳۷۶): « پرواز بر فراز شهرهای باستانی ایران»؛ ترجمه: آرمان شیشه‌گر، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور
۲. بریمانی، فرامرز و شعاع‌برآبادی، علی (۱۳۸۸) «بافت قدیم شهرها جلوه‌ی فرهنگ مادی و معنوی شهرهای اسلامی، مورد بافت قدیم شهر خواف»، فصلنامه جغرافیا و توسعه، شماره ۱۵، صص ۸۹-۱۱۲
۳. پورجعفر، محمدرضا (۱۳۸۸): «مبانی بهسازی و نوسازی بافت قدیم شهرها»، چاپ اول، تهران، انتشارات پیام
۴. تقوایی، علی اکبر و معروفی، سکینه (۱۳۸۹): «ارزیابی نقش مساجد در ارتقاء کیفیت محیط، مطالعه موردی: مسجد امیر تهران»، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۲۵، صص ۲۳۴-۲۱۹
۵. حبیبی، کیومرث و همکاران (۱۳۹۰): «ارزیابی اثرات طرح‌های توسعه شهری بر ساختار شکنی و ارتقای کیفی فضای شهر کهن ایرانی»، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۴، صص ۲۸-۱۵
۶. حکیم، بسیم سلیم (۱۳۸۱): «شهرهای عربی-اسلامی: اصول شهرسازی و ساختمانی»، ترجمه محمد حسین ملک‌احمدی، تهران، چاپ اول، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۷. دانش، جابر (۱۳۹۰): «مبانی معنوی شکل‌گیری شهر اسلامی»، مجموعه مقالات منتخب اولین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی، جلد دوم، چاپ اول، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، صص ۶۱۰-۵۸۹
۸. سلخی خسرقی، صفا (۱۳۹۰): «تقابل الگوهای اجتماعی پایدار در غرب با اسلام شهرهای تاریخی ایران» مجموعه مقالات منتخب اولین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی، جلد دوم، چاپ اول، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، صص ۷۳۸-۷۰۵

۹. شعبی، عباس و شعبانی، نگین (۱۳۸۰) «مسجد به عنوان یک عنصر شهری»، مجموعه مقالات دومین همایش بین المللی معماری مساجد، افق آینده، جلد دوم، چاپ اول، تهران، دانشگاه هنر
۱۰. طاهرخانی، حبیب الله و توسلی، محمد مهدی (۱۳۸۵): «مدیریت شهری: مدیریت بافت تاریخی شهرهای ایران (چالش ها و راهبردها)»، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۱۸، صص ۹۶-۱۰۷
۱۱. طیبیان منوچهر و همکاران (۱۳۹۰) «بازتاب اصل سلسله مراتب در شهرهای ایرانی- اسلامی»، فصلنامه آرمانشهر، شماره ۷، صص ۶۳-۷۶
۱۲. عزیزاده، هوشمند و حبیبی، کیومرث (۱۳۹۰)، «عوامل شکل دهنده شهرهای اسلامی-تاریخی مسلمانان»، فصلنامه مطالعات شهرهای ایرانی اسلامی، شماره ۳، صص ۷۶-۷۱
۱۳. علیمردانو، سارا و همکاران (۱۳۸۹): «سلسله مراتب دسترسی در باغ شاهزاده ماهان»، مجله کتاب ماه هنر، شماره ۱۴۲، صص ۴۶-۵۵
۱۴. قربی، میترا و مدیری، آتوسا (۱۳۸۷): «بهسازی بافت تاریخی با رویکرد برنامه ریزی فرهنگی، شهر کرمان»، اولین همایش بهسازی و نوسازی بافت های فرسوده شهری، مشهد، صص ۱-۱۲
۱۵. کرباسی، عاطفه و سلطانی، علی (۱۳۸۳): «طراحی معماری پشت گنبد مسجد عباسی اصفهان»، فصلنامه اثر، شماره ۳۶ و ۳۷، صص ۲۸۵-۲۹۰
۱۶. کردوانی، پرویز و موردغفاری، ونوس (۱۳۹۰): «توریسم و رویکرد نوسازی در طراحی بافت های تاریخی شهری، مطالعه موردی: شهر اصفهان»، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، شماره ۳۰، صص ۱۹-۳۱
۱۷. کمیلی، محمد و خدائی، زهرا (۱۳۹۰): «بررسی تطبیقی عناصر هویت بخش به شهر اسلامی؛ نمونه مورد مطالعه: شهر ری» مجموعه مقالات منتخب اولین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی، جلد دوم، چاپ اول، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، صص ۹۶۸-۹۴۳
۱۸. کیانی، اکبر و همکاران (۱۳۸۹): «بررسی هویت شهری در بهسازی و نوسازی بافت های تاریخی، مطالعه موردی: شهر گور- فیروزآباد»، فصلنامه فضای جغرافیایی، سال دهم، شماره ۳۰، صص ۴۳-۲۱
۱۹. مهدوی نژاد، محمدجواد و مشایخی، محمد (۱۳۸۹) «بایسته های طراحی مسجد بر مبنای کارکردهای فرهنگی- اجتماعی»، فصلنامه آرمانشهر، شماره ۵، صص ۶۷-۷۸
۲۰. نوری یان، علیرضا (۱۳۹۰): «ساختار معماری و شهرسازی ایرانی» مجموعه مقالات منتخب اولین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی، جلد دوم، چاپ اول، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، صص ۸۳۴-۸۱۵

**مطالعات طراحی شهری  
و پژوهش‌های شهری**

فصلنامه علمی تخصصی مطالعات طراحی شهری و پژوهش‌های شهری

سال ششم، شماره ۳ (پیاپی: ۳۴)، پاییز ۱۴۰۲